



جاذبه‌های خیالی از معنویت کاذب!

واکاوی معنویت و عرفان کاذب در میان نوجوانان و جوانان

دکتر حمیدرضا مظاهری سیف

رئیس پژوهشکده مطالعات معنوی



نیاز بشر به دین و معنویت انکارناپذیر است. پس از چند قرن تلاش برای کنار گذاشتن دین و معنویت از زندگی انسان، بحران‌های گوناگون از هر سو سر برکشیده‌اند و اکنون کار به جایی رسیده است که هر روز از گوشه‌ای آیین جدید و جریان معنوی و عرفانی نوظهور پدید می‌آید. دنیای امروز پر است از مدعیانی که خود را عیسی مسیح، بودا، آواتار (تجسد خدا در زمین) و پیامبر یا خدا می‌دانند و مدعی نجات بشریت هستند. کلیدواژه‌ها: معنویت و عرفان کاذب، تفکر نو، قانون جذب، نوجوانان و جوانان

که در بین نوجوانان و جوانان رواج یافته است. دوره نوجوانی دوران آرمان‌ها و رؤیاهاست. تفکر نو با تکیه بر این ادعا که می‌تواند راه سهل و نزدیک رسیدن به موفقیت و دستیابی به آرزوها را نشان دهد، توانسته است در بین نوجوانان جا باز کند. این تصور که می‌توانید با رؤیاپردازی درباره آرزوهایتان آن‌ها را تحقق ببخشید، بسیار جذاب است. نوجوان دست کم با خود می‌گوید: «به امتحانش می‌آزمایم». هر روز بافی و رؤیاپردازی که هزینه‌ای ندارد. هر روز ساعتی را در گوشه‌ای خلوت به تصور آرزوها اختصاص می‌دهم تا از این طریق انرژی‌های کائنات را در جهت آرزوهایم به کار گیرم. این سرمشق موفقیت در «تفکر نو» است که شما می‌توانید با تصور و احساس رسیدن به آرزوها، انرژی‌های مثبت را به کائنات بفرستید و اثری متناسب با آن را دریافت کنید. «تفکر نو» به علت ماهیت خیالی‌اش قابلیت آموزش به کودکان را نیز دارد. کودکان و نوجوانان به راحتی وارد بازی شیرین رؤیایها و آرزوها می‌شوند و آینده خود را در خیالشان تجسم و تماشا می‌کنند و از آن لذت می‌برند.

متأسفانه، در برخی مدرسه‌ها معلمان آموزه‌های تفکر نو را پذیرفته‌اند و آن را به کودکان و نوجوانان آموزش می‌دهند. به‌ویژه در دوره دوم متوسطه که زمان پراستقامت موفقیت در آزمون ورودی دانشگاه و هدف‌گذاری برای آینده است، بازار ترویج «تفکر نو» داغ می‌شود. ترویج «تفکر نو» در فضای مجازی، فیلم‌ها و برخی کتاب‌های غیرعلمی و نشریات زرد هم فراگیر شده است. اما با تکرار و تأکید اولیای مدرسه، اعتبار بیشتری پیدا می‌کند.

گابریله اوتنیگن، روان‌شناس آلمانی، که حدود ۲۰ سال درباره تخیلات مثبت یا به عبارت دیگر «تفکر مثبت» تحقیق میدانی کرده است، در کتاب «مثبت فکر نکنید»،

امروزه هزاران جریان معنویت‌گرا در دنیا پدید آمده‌اند که به اصطلاح آن‌ها را «جنبش‌های دینی جدید»^۱ می‌نامند. این جریان‌ها در کشور ما به نام «عرفان‌های نوظهور» مشهور شده‌اند. از بین عرفان‌های نوظهوری که به کشور ما راه یافته‌اند، جریانی موسوم به «تفکر نو»^۲ گوی سبقت را از دیگران ربوده است.

«تفکر نو» یک دین جدید آمریکایی است که گاهی به آن «جنبش تفکر نو» نیز گفته می‌شود. این جریان در یک زمینه تاریخی به تدریج تکامل یافت و در اواخر قرن ۱۹ «ماری بیکر ادی»^۳ آن را ارائه داد. البته او هیچ‌گاه عنوان تفکر نو را بر آموزه‌های خود نگذاشت، بلکه از عنوان «کلیسای دانش مسیحی»^۴ استفاده کرد و افکار خود را به صورت یک فرقه در دل مسیحیت مطرح کرد. اما شاگردان او آموزه‌هایش را از رنگ و بوی خاص مسیحی جدا کردند و به عنوان یک آیین مستقل با نام «تفکر نو» ترویج دادند.

«تفکر نو» اگر چه نامش کمتر شناخته شده، ولی آموزه‌هایش به طور گسترده‌ای ترویج می‌شوند. مفاهیمی نظیر قانون جذب، قدرت ذهن، نیروی فکر، تأثیر بر کائنات، راه‌های معنوی موفقیت و نظایر آن برخاسته از تعالیم تفکر نو هستند که بدون ذکر منبع و عنوان اصلی تکرار می‌شوند و رواج می‌یابند. شالوده اصلی تفکر نو این است که خدا نیروی درونی انسان است و انسان قدرت بی‌نهایت و خلاقیت نامحدود دارد. بنابراین، با تصورات ذهنی به کائنات فرمان می‌دهد و به هر چیزی که فکر کند و آن را تجسم کند، همان اتفاق می‌افتد. تفکر نو تأکید می‌کند باید به آرزوهایتان در ذهن تجسم ببخشید و آن‌ها را احساس کنید. آنگاه از تعاشقات و نیرویی از شما ساطع می‌شود که در جهان اثر می‌گذارد و آرزوی شما را تحقق می‌بخشد. «تفکر نو» گسترده‌ترین جریان عرفانی نوظهور است

تصور و تجسم و احساس و باور می‌دانند. آن‌ها به این سؤال پاسخ نمی‌دهند که اگر کسی باور کرد به اهدافش رسیده است و از آن‌ها لذت می‌برد، چه انگیزه‌ای برای تحمل رنج تلاش و کوشش در جهت رسیدن به اهدافش خواهد داشت؟

مروجان «تفکرنو» برای توجیه ادعاهایشان از مباحث شبه‌علمی استفاده می‌کنند. مباحث شبه‌علمی به این صورت هستند که برخی از نظریات یا اصطلاحات علمی را از روان‌شناسی و فیزیک کوانتوم مطرح می‌کنند، ولی آن‌ها را به صورت غیردقیق ارائه می‌دهند و از این بدتر نتایجی از این مفاهیم و نظریات می‌گیرند که هیچ ارتباط منطقی با آن نظریه ندارد. مروجان «تفکرنو» در دنیا بسیار فعال هستند و کسب و کار پروتقی با عنوان «صنعت موفقیت» به راه انداخته‌اند که در سال میلیاردها دلار گردش مالی دارد. همین موضوع

باعث شده است مورد انتقاد شدید دانشمندان قرار بگیرند. دانشمندان ادعاها و دلایل مروجان «تفکرنو» را «علم دروغین» یا «شبه‌علم» می‌دانند.

مروجان «تفکرنو» از آموزه‌های دینی هم برداشت‌های ناروایی دارند و مدعی هستند قانون جذب و قدرت ذهن و تأثیر ذهن بر کائنات در آیات و روایات مورد توجه است. از اینجاست که باب تفسیر به رأی را می‌گشایند و آموزه‌هایی نظیر دعا و شکرگزاری و حسن ظن به خدا را مطابق با قدرت ذهن و اصول «تفکرنو» تفسیر می‌کنند.

متأسفانه در یکی دو دهه اخیر به تدریج این افکار در بین مردم فراگیر شده و برخی از معلمان عزیز از روی شفقت و با قصد راهنمایی و یاریگری به دانش‌آموزان، این مطالب را به آن‌ها می‌گویند و در این زمینه از استدلال‌های شبه‌علمی و تفسیر به رأی منابع دینی هم استفاده می‌کنند. هم‌اکنون، آگاهی‌بخشی به معلمان گران‌قدر یکی از ضروری‌ترین برنامه‌ها برای جلوگیری از نشر و گسترش عرفان‌های کاذب از طریق مدرسه‌ها و نظام آموزش کشور است.

پی‌نوشت‌ها

1. New religious movements
2. New thought
3. Mary baker eddy
4. Christian Science
5. pseudo science

منابع

۱. مظاهری‌سیف، حمیدرضا. نگاهی متفاوت به قانون جذب. قم. انتشارات معنویت‌پژوهی. ۱۳۹۹
۲. گابریله اوتینگن. مثبت فکر نکنید. ترجمه رحمانی، حسین. انتشارات ترجمان علوم انسانی. ۱۳۹۵
۳. راندا برن. راز. ترجمه معتکف، نفیسه. انتشارات لیوسا. چاپ هشتم و هفتم ۱۴۰۰



نتایج آزمایش‌ها و تحقیقات متعددی را که او و همکارانش در چندین کشور انجام داده‌اند، ارائه می‌دهد. نتایج، حکایت از این واقعیت دارند که تخیلات مثبت، در لحظه آغازین احساس خوبی به فرد می‌دهد، ولی در میان‌مدت از کارآیی او می‌کاهد و در بلندمدت افسردگی را می‌افزاید.

تیبیین نتایج گابریله اوتینگن از این قرار است که همیشه تلاش برای رسیدن به موفقیت رنج و سختی دارد. برای اینکه انگیزه موفقیت در ما تقویت شود و آمادگی حرکت به سوی اهداف را پیدا کنیم، به رنج نیاز داریم. اگر احساس کنیم رنج فقدان و نرسیدن به موفقیت بیشتر از رنجی است که برای تلاش و تکاپو باید متحمل شویم، آنگاه انگیزه و اراده ما برای از بین بردن رنج فقدان برانگیخته می‌شود و کارآیی افزایش پیدا می‌کند. کارآیی و تلاش موجب بهبود نتایج و افزایش امید و شادی می‌شود و از افسردگی می‌کاهد. تخیلات مثبت مسیری برخلاف این روند را می‌پیماید. به این ترتیب که شخص با خیال‌پردازی درباره آرزوها و رسیدن به آن‌ها، احساسات خوشایند را در لحظه تجربه می‌کند و رنج نداشتن و نرسیدن در او کاهش می‌یابد. به این ترتیب، انگیزه موفقیت، اراده و کارآیی در او کاهش می‌یابد. پس از مدتی هم نا کارآیی موجب افزایش افسردگی می‌شود.

گابریله اوتینگن در بین گروه‌های متفاوت از دانش‌آموزان، دانشجویان، زنان و افرادی از اقشار گوناگون، آزمایش‌های دقیقی انجام داده و نمونه‌ها را تا چند سال بعد دنبال کرده است. نتایج این آزمایش‌ها نشان می‌دهند، افرادی که اهداف و آرزوهایشان را در خیال تجسم می‌کنند و از آن‌ها لذت می‌برند، احساس فقدان را از دست می‌دهند و کارآیی کمتری از خود نشان می‌دهند. پس از مدتی هم عدم کارآیی موجب ناکامی‌های متعددی می‌شود که افسردگی را به دنبال می‌آورد. نتایج این تحقیقات کاملاً در تعارض با ادعاهایی هستند که مروجان «تفکرنو» انجام می‌دهند و راه رسیدن به آرزوها را



مروجان «تفکر نو» در دنیا بسیار فعال هستند و کسب و کار پروتقی با عنوان «صنعت موفقیت» به راه انداخته‌اند که در سال میلیاردها دلار گردش مالی دارد